

سرداران معروف تاریخ ایران

عباس میرزا / راهاندازی کارخانه اسلحه‌سازی: عباس میرزا از شاهزادگان قاجار و فرزند فتحعلی‌شاه بود. وی در شانزده سالگی به ولیعهدی برگزیده شد ...



عباس میرزا / راهاندازی کارخانه اسلحه‌سازی: عباس میرزا از شاهزادگان قاجار و فرزند فتحعلی‌شاه بود. وی در شانزده سالگی به ولیعهدی برگزیده شد و همان سال نیز به آذربایجان رفت و والی آنجا شد. هنگامی که وی ولیعهد و حاکم آذربایجان بود، در طول جنگ اول ایران و روس کشف کرد نیروی عشایری در برابر توپخانه سیار کارساز نیست.

بنابراین دست به اصلاحاتی در نیروهای نظامی زد و 6000 سرباز، هسته اصلی این نظام بود که آنان به توپخانه سیار و سلاح‌های جدید مجهز بودند، از دولت حقوق مرتب می‌گرفتند، لباس متحدالشکل داشتند، در سربازخانه ساکن بودند و مشق می‌کردند و از سوی افسران اروپایی آموزش می‌دیدند.

عباس میرزا برای تجهیز قشون جدید، یک کارخانه توپ‌سازی، یک کارگاه تولید تفنگ سرپر و دارالترجمه ای برای کتب راهنمای نظامی و مهندسی در تبریز بنا نهاد.

برای تامین آتیه این تاسیسات نخستین گروه دانشجویان ایرانی را به اروپا اعزام کرد: آنان ملزم به تحصیل دروس علمی چون علوم نظامی، مهندسی، اسلحه‌سازی، طب، نقشه برداری و زبان‌های جدید بودند.

عباس میرزا، سال‌ها فرمانفرمای آذربایجان بود و فرماندهی قشون ایران در سال‌های 1218 تا 1228 قمری در جنگ‌های ایران و روس را نیز به عهده داشت.

در این جنگ‌های 10 ساله در نبردهای نظامی مهمی چون جنگ اوچ کلیسا پیروز شد و توانست بارها مناطقی از ایران همچون ایروان، قره‌باغ، گنجه و شیروان را از روس‌ها پس بگیرد، ولی سرانجام از آنان بویژه در نبرد سرنوشت ساز اصلاندوز شکست خورد.

این شکست آنچنان سنگین بود که پس از آن، ایران مجبور به پذیرش پیمان گلستان شد. پیمانی که بر اساس آن قره‌باغ، باکو، شیروان، داغستان، گرجستان و... از ایران تجزیه شد.

عباس میرزا پس از پیمان گلستان، درگیر جنگ با عثمانیان شد که در این نبرد پیروز شد و سپاه عثمانی را درهم کوفت سپس در شرایطی که قشون جدیدی بر اساس الگوهای اروپایی برای ایران ایجاد کرده بود، برای بازپس‌گیری سرزمین‌های از دست رفته ایران اقدام کرد.

در این جنگ‌ها که به دوره دوم جنگ‌های ایران و روس معروف است، ایران در مراحل ابتدایی به پیروزی‌های بزرگی دست یافت، ولی با رسیدن قشون روسیه به فرماندهی پاسکوویچ، ایران شکست خورد و حتی تبریز نیز سقوط کرد.

به دنبال این نبردها، ایران به پیمان ترکمانچای تن داد که بر اساس آن افزون بر تجزیه ایروان، نخجوان، اردوباد و تالش از میهنمان، دولت ایران، کاپیتولاسیون درباره اتباع روسیه را نیز پذیرفت.

هارپاگ / فرمانده بزرگ کورش

هارپاگ از فرماندهان حکومت ماد بود که به حمایت از کورش پرداخت و سپاه خود را تسلیم کورش کرد. بسیاری از افراد سپاه ماد بنا به توصیه او به سپاه پارس پیوستند و نیرویی بزرگ و مقتدر به وجود آمد که مایه هراس همسایگان ایران شد.

سپاه کورش چون نیرو گرفت، همسایگان ایران به وحشت افتادند و از این همسایگان دولت لیدی و بابل بیشتر از دیگران وحشت زده شدند.

در یکی از جنگ‌ها سپاه لیدی‌ها که به سواره نظام خود متکی بودند، دشتی را برای جنگ برگزیدند تا بهتر بتوانند بجنگند و کورش چون این سواره نظام را دید، واهمه کرد و هارپاگ به او گفت اسب از شتر می‌هراسد و دستور داد شترهایی را که باروبنه سپاه کورش را می‌بردند، بیاوردند و سربازان را سوار بر شترها کرد و فرمان پیشروی داد و در نتیجه اسب‌های لیدایی از شترها ترسیدند و

گریختند.

هارپاگ همچنین به فرمان کورش به آسیای صغیر فرستاده شد و از او به عنوان فرمانده سرزمین های ساحلی یاد شده است.

آریو برزن / نبرد تاریخی با اسکندر

آریو برزن از سرداران بزرگ تاریخ ایران است که در برابر یورش اسکندر مقدونی به ایران زمین، دلیرانه از سرزمین خود پاسداری کرد و در این راه خود و تمام سربازانش جان باختند.

نبردگاه آریوبرزن و اسکندر را در چند جای گوناگون حدس زده اند. به نظر می آید نبردگاه جایی در استان کهگیلویه و بویراحمد کنونی یا غرب استان فارس یا بنا بر برخی روایت ها اطراف شهر ارجان یا آریاگان (بهبهان کنونی) باشد.

در آن زمان، ناآشنایی اسکندر و سپاهش با منطقه به سود پارسیان بود، ولی چوپانی که تاریخ نگاران نام او را لی بانی نوشته اند، راه گذر از کوهستان و میانبر را به مقدونیان نشان داد و اسکندر توانست آریوبرزن و یارانش را به دام اندازد. (البته گفته می شود اسکندر پس از پایان جنگ آن چوپان را به دلیل خیانت می کشد)

آریوبرزن با ۴۰ سوار و ۵۰۰۰ سرباز پیاده، خود را بی پروا به سپاه مقدونی زد و شمار بسیاری از یونانیان را کشت و خود نیز تلفات بسیاری داد، ولی سرانجام موفق شد از محاصره سپاه اسکندر بگریزد تا به کمک پایتخت بشتابد و آن را پیش از رسیدن سپاه مقدونی اشغال کند، اما لشکر اسکندر که از راه جلگه به پارس رفته بودند، مانع او شدند. در این هنگام وی به مخاطره سختی افتاد، ولی باز هم راضی نشد تسلیم شود و جنگ هنگامی به پایان رسید که آخرین سرباز پارسی به خاک افتاده بود.

لازم به یادآوری است یوتاب (به معنی درخشنده و بی مانند) خواهر آریو برزن نیز فرماندهی بخشی از سپاهیان برادر را به عهده داشت و در کوه ها راه را بر اسکندر بست. یوتاب همراه برادر به مقابله با سپاه اسکندر رفت و به دلیل نبود نیروی کافی همگی به دست سپاه اسکندر کشته شدند.

شهربراز / نیرنگ رومی ها

شهربراز در زمان خسرو پرویز سمت سپهبد داشت و یکی از فرماندهان بزرگ ارتش ایران بود که با روم (بیزانس) جنگید و پیروزی های چشمگیری به دست آورد، از جمله اورشلیم را گرفت و صلیب راستین را که به اعتقاد مسیحیان، عیسی مسیح بر آن به صلیب کشیده شده بود.

به تیسفون - پایتخت شاهنشاهی ایران ساسانی - فرستاد. شهربراز سپس مصر را در سال ۶۱۶ میلادی و همچنین لیبی را تسخیر کرد و پس از چند سده دوباره قلمرو ایران را به گستردگی زمان هخامنشیان رساند.

شهربراز پس از این به پایتخت امپراتوری روم شرقی یا بیزانس یعنی کنستانتینوپول (قسطنطنیه) روی آورد و این شهر را محاصره کرد و نزدیک بود تومار امپراتوری بیزانس را در هم بپیچد، اما در این زمان گویا هراکلیوس دست به نیرنگی زد و نامه ای به شهربراز رساند که طبق مضمون آن خسرو پرویز دستور کشتن شهربراز را صادر کرده بود.

شهربراز ارتش خود را کنار کشید و به این ترتیب هراکلیوس توانست با همراهی نیروی دریایی روم، امپراتوری بیزانس را نجات دهد. این اقدام باعث رنجش ایرانیان و دیگر سپاهیان ایران از شهربراز و کناره گیری وی از صحنه جنگ و سیاست شد.

مردونیه / از تصرف آتن تا کشته شدن

مردونیه که یونانیان او را به نام مردونیوس می شناسند، داماد داریوش بزرگ و از فرماندهان سپاه ایران در نبردهای ایران و یونان در اوایل سده پنجم پیش از میلاد بوده است.

داریوش بزرگ در ۴۹۳ پیش از میلاد، مردونیه را برای آرام ساختن شورش و جانشینی ساتراپ آرتافرن به ایونیه (ایونیا) فرستاد. مردونیه شورش را فرونشاند.

پس از آن ناوگان مردونیه که مشتمل بر ۳۰۰ کشتی بود از داردانل (هلس پونت) گذشت و ارتشی ۲۰ هزار نفری در آنجا به او ملحق

مناطق مرزی و ناآرام بابان، همچنین موانعی که دولت عثمانی برای تجارت بین بغداد و کرمانشاه به وجود می آورد سبب شد ایران و عثمانی که در آستانه عقد پیمانی علیه روسیه بودند، از این کار چشمپوشی کنند. محمدعلی میرزا همچنین در دوره اول جنگ های ایران و روس با 20 هزار سوار و پیاده و پنج عراده توپ به طرف تفلیس لشکرکشی کرد. وی در جنگ با قوای روسیه عده زیادی از ارتش دشمن را کشت و اسیر کرد. سپس به تفلیس رفت و ایلات آن مناطق را سرکوب کرد.

سورنا / مبدع جنگ های پارتیزانی

سورنا (سورن پهلوی) یکی از سرداران بزرگ و نامدار تاریخ در زمان اشکانیان است که سپاه ایران را در نخستین جنگ با رومیان فرماندهی و رومی ها را که تا آن زمان در همه جا پیروز بودند، برای اولین بار با شکستی سخت و تاریخی روبه رو کرد. وی از خاندان سورن، یکی از هفت خاندان معروف ایرانی (در زمان اشکانیان و ساسانیان) بود. سورن در زبان فارسی پهلوی به معنی نیرومند است.

ژول سزار، پومیه و کراسوس سه نفر از سرداران و فرمانروایان بزرگ روم بودند که سرزمین های پهناوری را که به تصرف دولت روم در آمده بود، به طور مشترک اداره می کردند.

آنها تصمیم حمله به ایران را می گیرند. کراسوس، فرمانروای بخش شرقی کشور روم آن زمان، یعنی شام بود و برای گسترش دولت روم در آسیا، قصد حمله به ایران و هند را داشت. ارد پادشاه اشکانی، سورنا سردار نامی ایران را مأمور جنگ با کراسوس و دفع یورش رومی ها کرد.

نبرد میان دو کشور در سال ۵۳ پیش از میلاد در جلگه های میانرودان و در نزدیکی شهر حران یا کاره روی داد.

در جنگ حران، سورنا با یک نقشه نظامی ماهرانه و به یاری سواران پارتی که تیراندازان چیره دستی بودند، توانست یک سوم سپاه روم را نابود و اسیر کند.

کراسوس و پسرش فابیوس در این جنگ کشته شدند و تنها شمار اندکی از رومی ها موفق شدند فرار کنند. روش نوین جنگی سورنا، شیوه جنگ و گریز بود.

این سردار ایرانی را پدیدآورنده جنگ پارتیزانی (جنگ به روش پارتیان) در جهان می دانند. ارتش او دربرگیرنده زره پوشان اسب سوار، تیراندازان، نیزه داران، شمشیرزنان و پیاده نظام همراه با شترهایی با بار مهمات بود.

جنگ حران که نخستین جنگ بین ایران و روم به شمار می رود، دارای اهمیت بسیار در تاریخ است، زیرا رومی ها پس از پیروزی های پی در پی برای اولین بار در جنگی شکست بزرگی خوردند.